



۲۰۱۸/۰۹/۰۹

ملالی موسی نظام

هفته سال بعد از قتل احمد شاه مسعود، حقایق تاریخ به حال خود باقیست



با گذشت هفته سال از قتل احمد شاه مسعود، مطرح ترین شخصیتی که با عمر کوتاهی ماجراها و همبستگی های محیر العقول وی نامبرده را بکلی در قالب استثنایی ترین فردی از کشور قرار میدهد؛ از همان اوایل اجرای نقشه و اقدام به کودتای طرح شده آ آی اس آ آی پاکستان در عصر جمهوریت سردار داود خان، تا روز ترور وی، تأریخچه حیات سیاسی او با نوسانات غیر قابل باور آمیخته بوده است. درین ماجراها، بیشتر همبستگی های مسعود با استخبارات گوناگون خارجی را میتوان بصورت سرنوشت ساز، دخیل دانست. راپور مستند این حقیقت را که البته بارها مخصوصاً از جانب همان مؤسسات و نمایندگان فعال آن افشاء و نشر گردیده است، نمیتوان درین مختصر گنجانید.

با اینکه ملت مظلوم افغانستان از مدت چهل سال به اینطرف متصل با جنگ قدرت و دسیسه های دشمنان شناخته شده خویش در حال قربانی دادن و کشتار متداوم بسر میبرد، طوریکه نمیتوان برای بزرگداشت آن بینوایان روز و هفته ای را تعیین نمود، ولی خانه سیاست و منافع وابسته به آن، ویران که حکومت اخیر در کشور روز قتل مسعود را که با دسیسه باداران خودش صورت گرفت، بهانه آورده و اسم «هفته شهید» را بر آن حک نموده اند. هیئات!

درین شکی نیست که همانطور که برادران و گروه منفعت جو و شهرت طلب وی چه در حیات مسعود و چه بعد از قتل وی از اسم و شهرتی برای او که خود در ایجاد آن نقش بارزی داشته اند، موفق گردیده اند تا استفاده های وسیع مادی که بالای قدرت طلبی هم استوار می باشد، بنمایند، متأسفانه ضعف و مصلحت گرایی حکومت هم درین زمینه بی تقصیر نبوده است.

بهر حال، مردم افغانستان، نه تنها که ملیون ها شهود عینی را تشکیل میدهند، بلکه با امکانات مطالعه و مطبوعات آزاد، انترنت و امثال، حتی در اقصی نقاط کشور کاملاً مطلع اند که در نیم قرن اخیر کی چه نمود و برای آنها و سرزمین شان چه حوادث و نتایجی را بار آورد.

امروز با گذشت چهل سال از بربادی سرزمین مقدسی به نام افغانستان، در حقیقت دونسل جدیدی به ثمر رسیده اند که کاملاً مستحق آگاهی به رویداد ها و جریانات وطن شان میباشند؛ بنا بر آن علی الرغم خاک پاشی گروپ های ذی نفع و قدرت طلب و استفاده جو بر حقایق میرهن تاریخ کشور، قلم بدستان و محققین صادق که البته میتوانند شهود عینی هم باشند، وظیفه بزرگ افشاء همه جریانات عصر موجوده را با دست اندرکاران آن، با استناد و استدلال دارند. این وجیه بدون شک خدمت بزرگیست برای نسل های مستحق افغانستان و تاریخ آن. به ارتباط به موضوع بالا، میرویم به سراغ مضامینی از نویسندگان و محققینی که در زمینه شناخت احمد شاه مسعود و شمه بی از کار روایی های وی اظهاراتی داشته اند:

اول - سطوری از یکی از هموطنان که در وبسایت وزین و ملی «دعوت میدیا ۲۴» که امسال به نشر رسیده است. این مختصر آنچه مسعود بود و آنچه مسعود کرد را بسیار ساده و عام فهم بیان میدارد که میشود گفت که نظر، عقیده و چشم دید اکثریت مردم افغانستان را تمثیل مینماید:

مسعود نقطه نیرنگی در تاریخ! / داود

جمیعت اسلامی مسعود را قهرمان ملی میخواند و تاج شکست روسها را بر سر مسعود میگذارند و مسعود را عیار افغانستان و فاتح دو جنگ یعنی جنگ علیه شوروی و مقاومت بر ضد پاکستان میشارند. مگر مردم عام و اکثریت افغانستان مسعود را پروتوکولی شوروی نماینده استخبارات ایران در افغانستان میدانند.

این عده مردم میگویند حامد کرزی معامله گر در مقابل کنار رفتن از چوکی ریاست جمهوری با استاد ربانی معامله کرد و مسعود را قهرمانی و فهیم را مارشالی داد.

- طالبان و حزب اسلامی حکمتیار مسعود را خارج از دایره اسلام ستمی و پیروان حزب ستم طاهر بدخشی مینامند و او را از دایره اسلام و شریعت نبوی خارج و جاسوس فرانسه معرفی میکنند.

نوت:..... اگر از تعصبات قومی لسانی و حزبی بگذریم قضاوت ما در حق مسعود چی خواهد بود؟ نخست باید از اعمال و کردار مسعود یاد آوری کرد:

۱ - مسعود در سال ۱۳۵۴ به پاکستان رفت و از آنجا جهاد را بر علیه رژیم داود خان اعلان کرد و با برگشت به پنجشیر پنجصد سرباز قوای مسلح را در یک روز قتل عام کرد که هر کدام شان خانواده داشت یعنی پنجصد خانواده افغان را به سوگ بزرگ نشانند.

۲ - مسعود معادن لاجورد - زمرد - یاقوت پنجشیر و بدخشان را بیرحمانه و با اشخاص غیرمسلمی وحشیانه استخراج کرد و از پول آن اخراجات جنگی خویشرا پوره میکرد یعنی از حق بیت المال دزدی میکرد.

۳ - راه های کابل را بست و مردم بیچاره کابل را با گرسنگی و فلاکت مواجه ساخت و حکومت افغانستان را مجبور ساخت تا برایش حق بدهد، در برابر چند موتر مواد یک موتر مواد ارتزاقی به مسعود سپرده شود و بلاخره با همکاری با شوروی سابق مستقیماً "پروتوکول" امضا کردند.

۴ - با وجود اینکه نجیب الله برای همه مجاهدین پیشنهاد صلح و مذاکرات کرد مگر مسعود تعداد بدترین ها را از داخل نظام بخاطر روابط قومی و زبانی از خود ساخت و علیه نجیب الله فقط بخاطر رسیدن بقدرت توطئه نمود و پروسه صلح ملل متحد را برهم زد و وطن را به ویرانه مبدل کرد.

۵ - تعصبات قومی - لسانی - سمتی و مذهبی را دامن زد که تا امروز وطن در آن میسوزد.

۶ - قوای مسلح کشور که قویترین قوای منطقه بود را بحکم جنرال حمید گل منحل ساخت و چند تن دزد و راهزن را جنرال و قومندان ساخت.

وسایل نظامی مجهز و فوق العاده مدرن آن زمان را به دشمن فروخت و اساسات و بنیاد دولتی افغانستان را از ریشه خشکاند و همه چیز تباه شد.

۷ - افشار سیلو را قتل عام کرد و ۱۲۰۰۰ زن طفل پیرمرد بحکم مستقیم مسعود قتل شد.

۱۵۰۰ منازل مسکونی در افشار ویران شدند و مردم کابل از گرسنگی جان دادند.

۸ - در میدان شهر با طالبان به میانجیگری استخبارات پاکستان ملاقات کرد و میخواست حزب اسلامی - حزب وحدت را توسط طالبان از بین ببرد و عبدالعلی مزاری را تحفه ناچیز به طالبان سپرد. مگر بلاخره به کوه ها رفت و تخت و تاج کابل را به ملا عمر سپرد.

نتیجه گیری: تا جایکه من میدانم مسعود نه قهرمان ملی است و نه مجاهد کبیر فقط یک چریک تربیه شده استخبارات دشمن بود که تا آخرین نفش بر علیه افغانستان جنگید، قتل کرد، خیانت کرد، معادن را فروخت، تعصبات را دامن زد و بلاخره از طرف بادرانش کشته شد.

دوم: همانطوریکه مشاهده میشود، مضمون آتی اثر تحقیقات و مطالعات محترم میر عبدالرحیم عزیز در سال ۲۰۰۷ اقبال نشر در مطبوعات افغانی یافته است، ولی چون محتویات آن استناد تاریخی و جامع دارد، پسندیده است که منیث ورقی از رویداد های مبرهن و غیر قابل انکار، برای آگاهی نسل های وطن عزیز دوباره پیشکش گردد:

۹/۱۱/۲۰۰۷

میر عبدالرحیم عزیز

دو پیمان و دو خیانت

معاهدات نورمحمد تره کی و احمد شاه مسعود با اتحاد شوروی

هموطنان ما کاملاً آگاه اند که در سالیان اشغال کشور توسط سوسیال امپریالیسم شوروی، خیانت ها، جنایات و بدبختی های عظیمی بر ملت افغان تحمیل گردید. از زمره، دو معاهده ننگین ویران کننده ای که افغانستان را از ریشه ویران نمود، درین جا مورد توجه قرار می دهیم.

پیمان خانانۀ اول قرارداد علنی نورمحمد تره کی اولین رئیس جمهور نظام دست نشاندۀ مسکو با شوروی بود که بنام "معاهده دوستی، همسایگی نیک و همکاری متقابل" یاد میشود که در دسمبر ۱۹۷۸ به امضاء رسید. معاهده خانانۀ دوم "قرار داد مخفی احمد شاه مسعود با قوای اشغالگر ۴۰ شوروی" بود که در جریان جهاد ضد شوروی منعقد گردید. هموطنان ما متون هر دو قرارداد را به دقت ملاحظه فرمایند.

سوال درین جاست که چرا تنها نور محمد تره کی پشتون که به کشور و ملت خود خیانت نمود، در انظار همه يك خائن تلقی می‌گردد، اما احمد شاه مسعود که يك تاجک متولد افغانستان است، در انظار حامیانش منحصراً قهرمان و قومندان افسانه‌ای مورد ستایش قرار می‌گیرد، در حالیکه مسعود هم مانند تره کی مرتکب خیانت عظیم ملی به کشورش گردید. به یقین می‌توان گفت که درین جا ملحوظات خاص سیاسی، قومی و نژادی نهفته است که قدرت های بزرگ همراه با عمال افغانی شان درین خصوص همکاری می‌نمایند.

معاهده ضد منافع ملی اول از آرشیف شعبه معاهدات بین المللی ملل متحد و معاهده ضد منافع ملی دوم از رساله کوچک بروس ریچاردسن ژورنالیست آزاد امریکائی به نام:

Intimidation, Subversion and Pacification: Russian Policy in Transcaucasia, Central Asia and Afghanistan, March ۱۹۹۶ بدست آمده است.

اول - معاهده دوستی، همسایگی نیک و همکاری متقابل بین اتحاد شوروی و جمهوری دموکراتیک افغانستان:

۱. طرفین عالیین متعاقدين تصمیم خود را رسماً اعلام میدارند که دوستی خدشه ناپذیر بین دو کشور را تعمیق و تقویت بخشیده و هر نوع همکاری را بین خود بر اساس مساوات، احترام به حاکمیت ملی، تمامیت ارضی و عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر توسعه دهند.

۲. طرفین عالیین متعاقدين سعی بعمل خواهند آورد تا همکاری مفید متقابل را در ساحات اقتصادی، علمی و فنی تقویت نموده و توسعه دهند. هر دو جانب با در نظر داشت این اهداف، همکاری در زمینه های صنعتی، حمل و نقل، مخابرات، زراعت، استفاده از منابع طبیعی، انکشاف صنعت برق و سائر شقوق اقتصادی را هر چه بیشتر انکشاف داده و عمیقتر ساخته و در تربیت پرسونل ملی و در پلانگذاری انکشاف اقتصادی با هم همکاری نمایند. هر دو جانب تجارت را بین دو کشور به اساس مساوات، منافع متقابل و در چوکات کشور های دارای امتیاز فوق العاده توسعه خواهند داد.

۳. طرفین عالیین متعاقدين همکاری و تبادل تجارت را در زمینه علوم، ثقافت، هنر، ادبیات، تعلیم و تربیه، خدمات صحی، مطبوعات، رادیو و تلویزیون، سینما، توریسم، سپورت و سائر زمینه ها تشویق خواهند نمود. هر دو جانب توسعه همکاری را بین دوایر و موسسات دولتی، موسسات مردمی، تشبثات اقتصادی، موسسات علمی و کلتوری به منظور شناسائی عمیق از زندگی، کار، تجارب و موفقیت مردمان هر دو کشور تسهیل و تقویت خواهند نمود.

۴. طرفین عالیین متعاقدين غرض تامین امنیت، استقلال و تمامیت ارضی هر دو کشور با روحیه عنعنوی دوستی و همسایگی نیک و موافق با روحیه منشور ملل متحد با همدیگر همکاری نموده و اقدامات لازم را با موافقت همدیگر اتخاذ می‌نمایند. به منظور تقویت ظرفیت دفاعی، طرفین عالیین متعاقدين به انکشاف همکاری در زمینه نظامی مطابق به موافقت نامه هائیکه بین طرفین عقد گردیده ادامه خواهند داد. قابل یادآوری است این ماده بعداً زمینه را برای تجاوز شوروی به افغانستان آماده ساخت.

۵. اتحاد جماهیر اشتراکیه شوروی پالیسی بیطرفی را که جمهوریت دموکراتیک افغانستان تعقیب میکند و یک عامل عمده حفظ صلح و امنیت بین المللی میباشد، احترام می نماید. جمهوریت دموکراتیک افغانستان پالیسی صلح را که اتحاد شوروی تعقیب می نماید و هدف آن تحکیم دوستی با تمام ممالک و مردمان جهان میباشد احترام میکند.
۶. طرفین عالیین متعاقدين رسماً اعلام میدارند که هیچ يك از طرفین متعاقدين در کدام اتحادیه نظامی یا کدام اتحادیه دیگر یا گروه بندی دول شامل نخواهند شد و نیز در اقدامات یا فعالیت های اشتراک نخواهند کرد که بر ضد یکی از طرفین این معاهده باشد.
۷. طرفین عالیین متعاقدين به مساعی خود غرض حمایت از صلح بین المللی و امنیت مردمان ادامه داده، مساعی بین المللی را در راه رفع تشنجات عمیق تر گردانیده، و آنرا در سراسر جهان به شمول آسیا توسعه بخشیده و برای حل منازعات بین المللی از طریق صلح آمیز به همکاری مفید متقابله میان دول جهان مساعدت خواهند نمود. هر دو جانب فعالانه خلع سلاح عام و تام بشمول خلع سلاح ذروی تحت نظارت موثر جهانی را تشویق خواهند کرد.
۸. طرفین عالیین متعاقدين برای انکشاف و همکاری میان دول آسیائی و تاسیس روابط صلح و همسایگی نیک و اطمینان متقابل میان آنها و نیز تاسیس يك سیستم فعال امنیتی در آسیا بر مبنای مساعی مشترک همه ممالک این قاره تسهیلات لازم فراهم خواهند کرد.
۹. طرفین عالیین متعاقدين به مبارزه مستمر علیه توطئه های قوای تجاوزگر و محو نهائی استعمار و تبعیض نژادی با تمام مظاهر آن ادامه خواهند داد. هر دو جانب به منظور مبارزه عادلانه مردمان برای حصول آزادی، استقلال، حاکمیت ملی و پیشرفت اجتماعی با همدیگر و با سایر کشور های صلح دوست همکاری خواهند نمود.
۱۰. طرفین عالیین متعاقدين در مورد کلیه مسائل بین المللی که بر منافع دو کشور تاثیر می اندازد با همدیگر مشوره خواهند کرد.
۱۱. طرفین عالیین متعاقدين اعلام میدارند که تعهدات شان تحت معاهدات موجوده بین المللی با مندرجات این معاهده در مغایرت نبوده و وعده میدهند که چنان موافقات بین المللی را منعقد نکنند که ناقض این معاهده باشد.
۱۲. سوالاتیکه بین طرفین عالیین متعاقدين به نسبت تعبیر و یا تطبیق یکی از مواد این معاهده بروز کند با روحیه دوستانه، مفاهمه و احترام متقابل بین طرفین حل و فصل خواهد شد.
۱۳. این معاهده تا بیست سال بعد از روز انفاذ آن به قوت خود باقی خواهد ماند. همچنان این معاهده برای پنج سال آینده نیز معتبر خواهد بود، مگر اینکه یکی از طرفین عالیین متعاقدين اراده خود را مبنی بر فسخ آن شش ماه قبل از انقضای موعد پنج سال به جانب مقابل کتیباً اطلاع دهد.
۱۴. اگر یکی از طرفین عالیین متعاقدين، در خلال بیست سال انفاذ این معاهده، آرزو نماید تا قبل از ختم آن این معاهده را فسخ نماید، بایست شش ماه قبل از ختم تاریخ معاهده، موضوع را کتیباً به جانب مقابل اطلاع دهد و بعداً میتواند بعد از تاریخی تعیین شده معاهده را خاتمه یافته بشمارد.
۱۵. این معاهده در روز تبادل اسناد مصدقه که در کابل صورت میگیرد تصویب و نافذ خواهد شد.

این معاهده در دو نسخه به زبان های روسی و دری ترتیب یافته و هر دو متن که مساویانه مستند و معتبر میباشد به تاریخ پنجم دسامبر ۱۹۷۸ در مسکو امضاء گردید.

از جانب جماهیر اتحاد شوروی لیوند بریژنف و از جانب جمهوری دموکراتیک افغانستان نور محمد تره کی.

دوم - معاهده مخفی بین احمد شاه مسعود و قوای اشغالگر ۴۰ شوروی در افغانستان:

به منظور خلق حسن نیت بین رهبری قوای شوروی و مخالفین مسلح پنجشیر و به آرزوی تحکیم صلح در افغانستان، طرفین عاقدین با نیت نیک و پذیرش وجایب ذیل این معاهده را امضا می نمایند:

۱. گروه مسلح پنجشیر کلیه عملیات نظامی خود را در سالنگ جنوبی و مناطق همجوار متصل به شاهراه کابل - حیرتان، بشمول استعمال هر گونه اسلحه در مناطقی که بدست قوای مسلح پنجشیر قرار دارد، علیه مواضع قوای شوروی، قوای افغانی، محافظین سرحدی (MGB) و خاندنوی (Tsarandoi) متوقف سازد.

۲. گروه مسلح پنجشیر مسؤلیت حفظ خطوط مخابراتی بین تاجیکان (Tadzhikan) و چاگانی (Chaugani) را به دوش گرفته و مانع حمله، قطاع الطریقی و سائر اعمال خصمانه علیه قوای شوروی و افغانی گردد.

۳. طرف شوروی طبق موافقه دو جانبه مسؤلیت تهیه تدارکات، ضروریات فوری و سائر مواد مورد احتیاج را برای تقویه و نگهداری پنجشیر و سائر مناطق متعلقه بر حسب وقت تعیین شده به عهده میگیرد.

۴. به سائر گروه ها و دسته جات مسلح اجازه داده نخواهد شد تا در مناطق مربوطه داخل شده و علیه قوای شوروی و قوای افغانی دست به حملات تروریستی و تخریبی زده و پایب لاین را منهدم نمایند.

۵. تبادلۀ معلومات و مساعی مشترک در جهت پیدا کردن اتباع شوروی و افغانی که در منطقه مورد بحث مفقود شده اند، صورت خواهد گرفت.

۶. در صورت خلق و اوج تشنج و در مورد اجتناب عملیات جنگی و برقراری صلح در منطقه مورد نظر، مشاوره لازم بین دو جانب بعمل خواهد آمد.

۷. موثریت این پروتوکول در سرتاسر قلمرو ۳۰ کیلومتری در هر دو سمت بین تاجیکان (Tadzhikan) و چاگانی (Chaugani) امتداد خواهد یافت. در ماورای این قلمرو، قوای شوروی و قوای مسلح پنجشیر حق دارند تا عملیات نظامی را علیه سائر گروه های مسلح متعلق به دیگر تنظیم های مجاهدین به راه انداخته و ایشان را محو نمایند. خصوصاً گروه هائی که عملیات نظامی را علیه هر دو جانب متعاقدین متوقف نساخته اند.

۸. پروتوکول حاضر از لحظه امضاء و صحه گذاشتن به آن مرعی الاجرا میشود.

منبع معلومات: عملیات گروه MO SSSR در افغانستان، دسامبر ۱۹۸۸ (این سند بوسیله جنرال بوریس گرموف، جنرال شهنوار تنی و احمد شاه مسعود امضا گردید). (شبارشین Shebarshin ۱۷۷-۲۱۴).

نوت: هموطنان ما درین جا خوب درک می نمایند که به اساس قرارداد مخفی احمد شاه مسعود با قوای اشغالگر شوروی و ارتکاب خیانت به کشورش، دست قوای اشغالگر شوروی در کوبیدن مجاهدین و انهدام شهر ها در جنوب و شرق افغانستان آزاد گذاشته شد و مردم این مناطق متحمل خسارات غیر قابل جبران گردیدند. پیروان احمد شاه مسعود که همیشه می گفتند که موضوع قرارداد مخفی وی با قوای شوروی واقعیت ندارد، حالا بعد از افشای آن چه دلیل و یا دلایلی در تبرئه احمد شاه مسعود ارائه می نمایند؟ آیا احمد شاه مسعود هنوز هم قهرمان

شناخته شود یا میهن فروش و خائن به وطن؟ چرا "معاهده علنی" نورمحمد تره کی با شوروی که ثبت ملل متحد هم شده، یک خیانت تلقی می گردد، اما نه "معاهده مخفی" احمد شاه مسعود با قوای اشغالگر شوروی که برای مدت مدیدی از مردم و مجاهدین پنهان بود؟ هم میهنان ما این حادثه سیاه تاریخی را به دقت موشکافی نمایند.

ملالی موسی نظام

۲۰۱۸/۰۸/۳۰

سوالات عنوانی ضیاء مسعود را تاریخ جواب میگوید



به تاریخ ۲۶ اگست مضمونی از نویسنده خبره و ملی گرا محترم احسان الله مایار تحت عنوان «گزارشی که عنوان به کار ندارد» درین وبسایت منتشر گردید که گویا نامبرده با مقدمه رسایی، تبصره خانم افغانی به نام «مکی زوری جهانیار» را از صفحات فیس بوک وی بر ادعای نشر شده «ضیاء مسعود» طی ارائه یک سلسله سوالات، کاپی و نشر نموده است که خالی از دلچسپی نیست.

اینکه گروپ های تنظیم های جهادی که با جنگ های فی مابین و خصومت های دوامدار برای تصاحب قدرت و سرمایه های ملی مردم افغانستان، دهه هاست که سرزمین ما را به بربادی و چپاول کشیده اند، جز افسوس کاری نتوانسته ایم، ولی آنچه را گروه غیر ملی شورای نظار مسعودیان و جمعیت ربانی در حق ملت و مملکت با انواع تقلب، زور گویی، در مقامات ملکی، عسکری داخلی و دفاتر دیپلوماتیک و کلتوری افغانستان در خارج منحیث یک اقلیت کوچک به مقابل یک ملت ۳۰ میلیونی، بر مردم ما تحمیل میدارند از حساب و شمار بیرون است.

به ارتباط به سوالات جامع، افشاگرانه و مهم خانم «مکی زوری جهانیار»، بلی «ضیاء مسعود» که در زمان حیات برادر و استاد خویش «احمد شاه مسعود» هم در مسائل ارتباطات با دول خارجی، مخصوصاً آی اس آی و سی آی آ و البته عمال وابسته به شوروی و روسیه فیدرال، پای دو و معتمد رسمی شناخته میشد، بعد از شکست طالبان و زد و بند گروه خود و گروه ربانی «شورای نظار و جمعیت» با استخبارات امریکا، باز هم بر مسند قدرت در مقامات مختلفه نایل آمدند.

امروز با تغییرات حکومت و تغییر هر نوع شرایط، در حقیقت زمان باز هم زمان اینهاست. البته «ضیاء مسعود» که هر روز به هر رنگی جامه بدل مینماید، برای احراز قدرت و مطرح بودن در مسائل مهم افغانستان، گاهگاهی چند کلمه ای به مطبوعات پیشکش مینماید که کاملاً از حقایق مبرهن دهه های اخیر که مردم وطن به خاطر

دارند، دور و نقیض قرار می‌گیرد. نامبرده همیشه ضد آنچه را به عمل آورده اند و می‌آورند، بیان میدارد که شخصیت ضعیف وی را به سیاهی میکشد.

حال میرویم به سراغ جوابیه‌هایی به سولاتی که خانم دردمند «مکی زوری جهانیار» عنوانی همین عضو غیر قابل اعتبار گروه شورای نظار که نظر به عادت برای حفظ مقام و منزلت پوشالی اخیراً چنین اظهار داشته است: **((اگر جهاد و مقاومت ما!))** نمی‌بود، حال ما صوبه پنجم پاکستان می‌بودیم)).

یا الله! چنین اشخاصی که استفاده جویی از ناتوانی ملت و منافع علیای مملکت هدف اصلی و اساسی آنان بوده است، همیشه با حربه ضعیفی جهاد مقدس مردم افغانستان، این قهرمانان واقعی ملی را که به حکم تاریخ میلیون‌ها قربانی، معیوبیت و آوارگی را با مقاومت آنان به مقابل ابر قدرت شوروی وقت بار آورد، به خود و گروه و گروه خویش متعلق میدانند..... همین‌هایی که شاهراه سالنگ را برای تردد قوای زمینی شوروی حمایت نمودند و پایپ لاین گاز را برای سوخت توپ و تانک مخوف برای روس منحوس از تخریب مجاهدین، محفوظ نگهداشته و آن گروه‌های متفرقه ملی را در منطقه از بین بردند.

استعمال کلمه «مقاومت» که توسط گروه‌های شورای نظار و جمعیت ربانی بعد از قدرتمندی طالبان بر افغانستان استعمال میگردد، پروپاگندی است که گویا در همان عصر که اینان با فرار بزرگ در خواجه بهاءالدین پناهنده گردیده بودند، به مقاومت بر علیه طالبان عصر حجر اشتغال داشتند. معلوم نیست با چنین فریبی چی را میخواهند ثابت بسازند؟ البته اگر جریان سپتامبر ۱۱ و شکست گروه طالب به وقوع نمی‌پیوست و امریکا بازی قدرت جدیدی را با آنان مطرح نمی‌نمود، همان گوشه خواجه بهاءالدین هم معدوم میگردد.

اول: بلی در سال‌های ۱۳۳-۱۳۵۴ بعد از اینکه ربانی مسعود و گلبدین به پاکستان فرار نمودند، بیدریغ با آغوش باز آی اس آی پذیرفته شده و ذریعه آن دستگاه استخباراتی مدش بر علیه حکومت وقت افغانستان مجهز گردیده و دست به اقدام، شورش و کودتا زدند که با ناکامی مفرط، از طریق کوها دوباره به پناه آی اس آی در آمدند!

دوم: منحصیث گروه‌های اسلام افراطی، اولین دسته با چنین مفکوره عقب‌گرایی، ذریعه پروپاگند همین دست‌پرورده‌های اولین آی اس آی بوجود آمد.

سوم: بلی این‌ها بودند که، در عصر محمد ظاهر شاه با تبلیغات وسیع به امر آی اس آی و پاکستان، ذهنیت مردم را به نام خطری که اسلام را تهدید مینمود سیاه و مغشوش میساختند.

چهارم: البته سهم پشتیبانی ضیاء الحق در حمایت و پرورش این گروه‌ها و احزاب با کنترل و سببی‌ای که جنرال حمید گل برای سال‌های متمادی بر آنان داشته است، یک به یک ثبت و درج تاریخ است. مطمئن باشید.

پنجم: خود دانید که حمله اردوی پاکستان به جلال‌آباد به منظور حفظ همین گروه اسلام افراطی ضد منافع مردم افغانستان به پلان و حکم پاکستان صورت گرفت.

ششم: در عصر خونین ربانی که رئیس جمهور منطقه ارگ بود، مشاور امنیت و اداره امور بدون شک وی کسی به جز خانی به مردم افغانستان را به نام جنرال حمید گل آمر آی اس آی، تعیین ننموده بود. این ننگ از چهره این گروه ضد ملی هرگز پاک نمیگردد.

هفتم: افغانستان بدون تردید دارای قوای عسکری و وسایل حربی مجهزی بود که توسط همین عمال شورای نظار که مسعود وزیر دفاع و جمعیت که ربانی رئیس جمهور بود، البته با پلان دقیق آی اس آی از هم پاشید و یکی

از خاینانه ترین پلان ضد ملی در حق ملت و مملکت صورت گرفت، مخصوصاً که با موجودیت مسعود منحیث وزیر دفاع، اردوی ملی هم منحل گردید. درین زمینه باید تصریح نمود که وسائل حربی و نظامی افغانستان از پرنده چون طیارات و از خزنده چون تانک و همه اسلحه خفیه، دقیقاً یا به تاراج پاکستان رفت و یا اوراق گشته به دشمنان فروخته شد. از ضیاء مسعود باید پرسید که آیا تا به حال کدام دشمن ملت دیگری در جهان به چنین عمل خائنانه ای دست زده است؟!

هشتم: حال میرویم به سرخ پروتوکول هایی که مربی و قهرمان شورای نظار و جمیعت یعنی احمد شاه مسعود به دفعات با اتحاد شوروی اشغالگر وطن عزیز ما امضاء نمود. آیا شخص مسعود و گروه و گروه و گروه دنباله روی هرگز از افشاء این قرار داد ها با دشمن ملت افغانستان مثلاً قرار داد جیل سراج و خنجان و بقیه، بیمی داشته اند؟! مگر میشود قدم هایی چنان مهم و سرنوشت سازی را که با شوروی و برای حمایت قوای آنان برای ادامه اشغال افغانستان برداشته شد، تاریخ فراموش نماید؟! پلان تجزیه مادر وطن چطور؟ مردم مظلوم و قربانی افغانستان که جنگ شان با شوروی از دو سال به ۱۰ سال کشید؟!

نهم: بلی اینهم نتایج عملی همان پروتوکول ها با قوای نمبر ۴۰ اتحاد شوروی سابق بوده است که حمایت از شهراه سالنگ به منظور تردد قوای زمینی آن ابر قدرت مخوف و دشمن ملت افغان بوده جزء یکی از پروتوکول ها شمرده میشود.

دهم: بلی همین تاریخ به وضاحت بیان میدارد که مسعود بعد از بیشتر از یکسال مبارزه بر علیه شوروی، با همگامی با آن قوای اشغالگر وطنش، برای کسب قدرت و وعده های مقام و تسلط بر امور کشور به کمک شوروی محتاج گردید؛ چنانچه که خاطرات جنرالان روس و اوراق تاریخ و البته جریان امور این حقیقت تلخ را افشاء می نماید.

یازدهم: بلی اینهم حقیقت دارد که بعد از حملات سپتمبر یازده و ورود قوای امریکا، روز از نوروزی از نو، جمیعت ربانی و شورای نظار بعد از قتل مسعود راه وی را با ارتباطات با سی آی آ «First In کتاب خاطرات گیری شرون نماینده سی آی آ» دنبال نموده اینبار با سرکردگی «عبدالله عبدالله» با زد و بند هایی با پلان های جدیدی به امریکا پیوستند و تا ایندم به مقامات بی شمار و قدرت دسترسی دارند.

دوازدهم: مبالغی که در پنجشیر و خواجه بهاءالدین بین سی آی آ و مسعود رد و بدل میشد، از خود داستان ها و حکایات طولانی دارد، که همین «جناب ضیاء مسعود» درین کار تربیت خوبی داشته است، مثلاً داستان اخذ صد ها هزار دالر برای دستگیری بن لادن را که سی آی آ در هتل «دینز» پشاور به ضیاء مسعود داد، بعد ها احمد شاه مسعود در مجلسی در منطقه «کلوله پشته» کابل با گیری شرون، از دریافت آن انکار ورزید.

سیزدهم: داستان گرفتاری در میدان هوایی دوبی که همین «ضیاء مسعود» و «یونس قانونی» همتای وی در آن سهم داشتند، قصه ای است کاملاً شنیده شده، گویا اولی با ذخیره دالری فوق العاده و دومی با گنجی از الماس های ناب به دیدار فامیل های شان که در خارج به امن و رفاه بسر میبردند، تشریف میبردند. پدر سیاست بسوزد که با تلفون هایی که از کابل صورت گرفت، موضوع پلپوت گردید.... همه پول های باز سازی افغانستان و همه سرمایه های یتیم و بیوه کشور!!!

چهاردهم: بلی معادن لاجورد، زمرد و غیره از همان عصر جهاد در اختیار عمال و قاچاقبران همین گروه شورای نظار و جمیعت ربانی است، البته بیشتر آن. طرق تجارت آن در جهان خارج هم با بلدیت و روابط آنان به سهولت صورت می گیرد. قصه جدیدی نیست!

پانزدهم: از جایداد و مقر های باشکوه و گوناگون در داخل و خارج افغانستان یاد شده است. البته قسمتی از دخایر سرشار سرمایه های ملی، مصارف بازسازی، بودجه هایی که برای صلح، صحت عامه، معارف، یتیم خانه ها و صد ها مثل آن به خزانه دولت باید برسد، نارسیده به تاراج می رود. البته که خریداری مقر های متعدد باشکوه در داخل و خارج باید در پلان حیات «**ضیاء مسعود**» و گروه و گروپ وی باشد!!

شانزدهم: حال که حمله به کارته پروان و مخصوصاً بر اهل هنود شریف و زحمت کش افغان در جریان جنگ های خونین کابل و حکومت فاسد ربانی مطرح می گردد، بلی با چنان تراژدی دلخراش، خوب است یادی هم از «**قتل عام افشار**» که مسعود توپ خانه را در آن زمستان سرد به بالای کوه آسمایی برد و به شمول افشار چندین شهر پایین کوه را در دو شب به خون و آتش غرق کرد. این تراژدی مهلک انسانی ثبت تاریخ جنایات بشری جهانی گردیده است. تیپ و عکس های زیادی را از همین همبستگان مسعود، فهیم و خود وی صفحات تاریخ در خود ثبت نموده است. هیهات!!

هفدهم: بلی آمدیم به تجارت نهایت عجیب و استثنایی، خانم جهان یار عزیز، نام مسعود در حیات و بعد از قتل نامبرده هر روز در مواقعی ای مانند انتخابات، ضرورت قهرمان سازی و جلب نظر استخبارات خارجی و امثالهم منحصت متاعی تجارتی دست به دست همین گروه ها می گردد. عجیب تجارت پر سودی بخدا؟! در حیات خود مسعود هم انواع تجارت بر علاوه معاملات سنگ های قیمتی و زمرد، رواج داشت، ذخیره هنگفتی که در بانک لندن در حوالی مرگ وی در حساب شخصی اش موجود بود، البته یکی از آن به شمار می آمد.» کتاب جدید ستیو کول ژورنالیست خبره آمریکایی نویسنده اثر افشاء گر جنگ های ارواح به نام Directrait S که اخیراً منتشر گشته و غوغایی به پا نموده است.»

به هر حال، آب که از سر گذشت چه یک نیزه و چه صد نیزه! «**ضیاء مسعود**» و گروه جمیعت و شورای نظار، مگر ازین ادعاهای خلاف حقیقت چه ضروری دیده اند که از فریب مردم بی بضاعت، مظلوم و بی پناه وطن دست بردارند؟ تا ریشه در آب است امید ثمری هست!!

پایان

نوت: خوانندگان محترم می توانند با کلیک بر لینک های ذیل، مضامین وابسته به جریانات بالا را مطالعه نموده ممنون سازند.

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/ehsan_m_gosareshe_ke_enwan_ba_kar_nadarad.pdf

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/l_rishtia_moghdamai_ketab_jan.pdf